



مصاحبه با حجت الاسلام استاد حسینی عاملی از شاگردان مبرز استاد آشتیانی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی
پرتال جامع علوم انسانی



فروغ اندیشه: شما از شاگردان مرحوم آشتیانی هستید، با توجه به قرابت شما با ایشان و همچنین بهره بردن از تعالیم استاد شیوه تعلیم و تدریس ایشان را برای ما توضیح دهید.

✓ مرحوم استاد علامه حضرت آیت الله آشتیانی چند ویژگی خاص در تدریس داشتند اولاً این که نحوه بیان ایشان و نحوه تدریسشان در سطح بالایی بود بدین معنا که واقعاً افرادی که می آمدند درس ایشان که احیاناً مدتی هم فلسفه خوانده بودند ولی به سبب اینکه ایشان مطلب را در سطح خیلی بالا و با توجه به جوانب مختلف مسأله مطرح می کردند و احیاناً در بسیاری از موارد، گریز به عرفان می زدند که بسیار سنگین بود لذا استفاده از درس ایشان متوقف به زحمت و تلاش زیاد از سمت دانشجو و طلبه بود که به همین سبب هم خیلی ها تحمل نمی کردند یعنی مدتی می آمدند و می دیدند نمی توانند هم سطح کلاس ایشان پیش بروند که در حقیقت اگر منظومه را هم برای مبتدی درس می دادند به تعبیر حوزویان خارج منظومه بود بعضی دوستان بودند که منظومه خوانده بودند و باز به خدمت ایشان می آمدند.

معروف این مسأله بود بین بعضی از طلبه هایی که در ارتباط با فلسفه بودند، می گفتند اگر شما می خواهید درس آقای آشتیانی بروید قبلاً باید منظومه را خوانده باشید و یک خصوصیت دیگر استواری و صلابت در بیان مطالب بود. بعضی افراد با تزلزل درس می دهند ولی ایشان واقعاً هنگام بیان مطلب چون به آن چیزی که می گفتند اعتقاد داشتند و با اعتقاد هم درس می دادند چون فلسفه و عرفان برایشان تجسم داشت. خصوصیت دیگر این است که به سبب ذوق شدید عرفانی که ایشان داشتند تقریباً به خاطر ندارم که هیچ کدام از درسهای ایشان چه در منظومه چه در اسفار بالاخره یک جوهری گریز به عرفان و مطالب عرفانی نداشته باشند.

فروغ اندیشه: استاد آشتیانی بیشتر در زمینه فلسفه و عرفان مطرح هستند. ایشان به غیر از این

دو حوزه آیا در موارد دیگری از علوم فعالیت داشتند؟

✓ مرحوم آشتیانی بیشتر به عنوان کسی که پیرو مکتب حکمت صدرایی است شهرت دارد البته با این تفاوت که احاطه ایشان به مطالب عرفانی بیش از آن چیزی است که در اسفار ملا صدرا آمده است. در این دو جهت یعنی عرفان نظری و حکمت متعالی ایشان شناخته شده اند ولی حقیقت امر این است که تعداد اساتیدی که ایشان در رشته های فقه و اصول داشتند اگر از اساتیدی که در فلسفه دیده اند بیشتر نباشد کمتر نبوده ایشان بسیاری از اساتید معروف را درک کرده اند؛ در نجف مرحوم آیت الله العظمی آقا سید ابوالحسن بجنوردی، حضرت آیت الله خوبی، مرحوم آقا شیخ حسین حلی، مرحوم آیت الله میرزا عبدالهادی شیرازی و مرحوم آقای حکیم، در قم هم خدمت آقای مرحوم بروجرودی، فقه و اصول را مقدار زیادی خوانده اند یعنی



واقعاً یکی از جهت احاطه و جامعیت در علوم مختلف یک شخصیت کم نظیری بوده‌اند، که علاوه بر فلسفه و عرفان در فقه و اصول و تفسیر هم کار کردند حتی من به خاطر دارم که ایشان با اینکه از وقتی که به مشهد تشریف آوردند بیشتر وقتشان و کارشان را روی فلسفه صدرایی و عرفان صرف می‌کردند اما در عین حال گاهی وقتها در درس از حاشیه مرحوم آقا شیخ محمد حسین اصفهانی که یکی از عمیق‌ترین حاشیه‌هایی است که بر کفایه نوشته شده و بسیار سطح بالاست یاد می‌کردند و می‌فرمودند که من مثلاً دیشب داشتم این موضوع را مطالعه می‌کردم و این نشان می‌داد که در همین دوران که متمحص در فلسفه و عرفان و تحقیق و تدریس این دو علم‌اند، از مطالعه در اصول فقه هم دست برد نداشته‌اند.

در عرفان نظری اگر بخواهیم در دوران حاضر یکی از اساتید مسلم را که حفظ اصطلاحات نکرده و فهمیده آن چیزی را که خوانده است و تحقیقی هم فهمیده است و مقهور عرفا هم نشده، را نام ببریم استاد آشتیانی است، چون خیلی‌ها وقتی در مسائل عرفانی وارد می‌شوند به هر صورت تحت تأثیر عرفان ابن عربی و قونوی قرار می‌گیرند ولی ایشان واقعاً این گونه نبود. یعنی محققانه مطلب را می‌فرمودند و خیلی جاها انتقاد می‌کردند و این تعلیقه‌ای که در شرح فصوص نوشتند که جزو آخرین کتابهایی است که چاپ شده یکی از ارزشمندترین آثار است که در عرفان نظری به دست یک فیلسوف و عالم شیعی نوشته شده است. اینقدر این مطالب حواشی، محکم، استوار، رسا و فصیح نوشته شده بود که من سوال کردم آقا همه این مطالب از خودتان است؟ ایشان فرمودند که در مطالب اشکالی وجود دارد گفتم نه آقا خیلی عمیق است و ایشان فرمودند: بله اینها را در طول سالها که مطالعه کردم به تدریج نوشتم.

فروغ اندیشه: آیت الله آشتیانی با اساتید خارج از ایران که در زمینه فلسفه اسلامی و یا عرفان فعالیت دارند، آشنایی و مراوده علمی نیز داشتند؟

✓ یکی دیگر از خصوصیات تقریباً کم نظیر استاد آشتیانی توجه و اهتمام ایشان بود به کسانی که خارج از حوزه ایران و حتی خارج از حوزه اسلام پیرامون فلسفه اسلامی و عرفان اسلامی کار می‌کنند است. یعنی بنده غیر از مرحوم علامه طباطبایی که ایشان فقط با کربن ارتباط داشتند سراغ ندارم از بزرگان و حکمای قرن معاصر که با این افراد ارتباط داشته باشند. مرحوم استاد علاوه بر ارتباطی که با هانری کربن داشتند با بعضی از اساتیدی که ژاپنی بودند مانند ایزوتسو، ماتسوموتو و دکتر چیتیک امریکایی ارتباط و مراوده علمی داشتند. ایشان یک سفری به مصر داشتند. چون در بین کشورهای عربی و اسلامی مصر را بخصوص خیلی می‌ستودند چون سابقه فرهنگی خیلی درخشانی دارند. ایشان ملاقاتی با ابوالعلائی عفیفی که

خودش فصوص را با تعلیقات چاپ کرده است داشتند که می‌فرمودند من یک روز به همان دانشگاهی که ایشان تدریس می‌کرد رفتم و با ایشان صحبت کردم. اشکالاتی در مورد کتابشان به او کردم، بعد او من را صدا زد و در مورد کتاب فصوص و مسائل عرفانی با هم صحبت کردیم و من به او فهماندم که در ایران هم این کتابها تدریس و تألیف می‌شود و این چیزهایی که شما در تعلیق فصوص نوشتید این ایرادها را دارد و او خیلی متعجب شده بوده از این که چنین چیزهایی در ایران است.

فروغ اندیشه: استاد آشتیانی آثار برجسته‌ای از جمله تألیفات، شروح و تعلیقات فراوانی بر آثار فلسفی و عرفانی دارند. لطفاً در مورد چند نمونه از برجسته‌ترین آنها و ویژگی این آثار اشاره‌ای داشته باشید؟

✓ به نظر بنده بهترین و فنی‌ترین اثری که مرحوم استاد نگاشته‌اند همین تعلیقات و حواشی است که بر شرح فصوص مرقوم فرمودند که جزو آخرین کارهای استاد است یعنی در این سنینی این تعلیقات نوشته شده است (سالهای ۷۳، ۷۵) که تاریخ آنها را در بعضی جاها ذیل صفحات مرقوم داشته‌اند، که سن پختگی علمی ایشان است. همه آثار فلسفی ایشان تقریباً آثار خوبی است مثلاً در این کتاب شرح زاد المسافر مقدمات مفصلی که بر کتاب دارد، متعرض اشکالاتی شده بودند که مرحوم آقا علی حکیم مدرس در مسأله معاد جسمانی ملاصدرا داشتند، ایشان به تمام آن اشکالاتی که که مرحوم آقا علی داشتند جواب داده بودند که آن هم یکی از آثار غنی ایشان در فلسفه است و یک سری تعلیقات محدود بر اسفار دارند که آن هم جزو آثار ارزنده ایشان است که ان شاء الله بزودی به خواست خداوند منتشر می‌شود. آنجا به برخی از آراء خودشان و برداشتهای خیلی دقیق و ظریفی که از حکمت صدرایی داشتند و خودشان هم یکبار به خود بنده فرمودند: که این مطلب در باب اتحاد عاقل و معقول بود، هیچ کس تا به حال این چیزی که بنده اینجا نوشتم کسی به آن توجه نکرده است یکی این جهت بود که ایشان بر آن تأکید داشتند و یکی هم در بحث حرکت جوهری می‌فرمودند: و این نکته‌ای هم هست که بنده هم در هیچ یک از آثار اساتید و گذشتگان که به این نکته توجه نکنند، ندیده‌ام. حتی مرحوم سبزواری این نکته را در حواشی اش ندارد.

از بهترین آثار ایشان مقدمه‌ای است که بر مصباح الهدایه نوشته‌اند. احیاناً بعضی جاهایش از خود متن قوی تر است. از آثاری که ایشان خیلی به آن ابراز علاقه می‌کردند، مشارق الدراری است. مشارق الدراری یک کتابی است به فارسی در شرح قصیده تائیه ابن فارض که فرغانی یکی از شاگردان صدر الدین قونوی است وقتی قونوی این قصیده عرفانی را درس می‌داد،

جناب فرغانی آن را نوشته است. تقریرات درس قونوی دو شرح دارد یک شرح به عربی و یک شرح به فارسی است که شرح فارسی آن را مرحوم استاد چاپ کردند و خیلی نسبت به این کتاب ابراز ابتهاج می کردند و در آن زمان فرموده بودند این بهترین اثری است که من به اهل ذوق تقدیم می کنم.

فروغ اندیشه: به برخی از خصوصیات اخلاقی ایشان که در رفتار و منش استاد بارز بود اشاره فرمایید؟

✓ از جمله خصوصاتی که می توانم خدمتان عرض کنم یکی فراست و تیز بینی خاصی بود که ایشان داشتند و معمولاً آن کسانی که خیلی در مباحث علمی فرو می روند از دیگر جنبه ها غفلت می کنند خصوصاً از مسائل اجتماعی، مسائل سیاسی و غیره... بنده به خاطر دارم بعضی نکته ها را ایشان مثلاً در سال ۷۲،۷۳ می فرمودند که مثلاً این اوضاع چنین اثراتی را در پی خواهد داشت، که من آن موقع در ذهنم می گفتم مگر می شود، که این مسائل به این صورت بشوند حالا که فکر می کنم می بینم چطور ایشان و با چه فراستی ریشه های این مسئله را دیده بودند یعنی یک فراست خاصی در مسائل اجتماعی و سیاسی داشتند. یکی دیگر از ویژگی های ایشان حریت و صراحت بیان ایشان بود. تعارفی در مسائل حق و حقیقت با کسی نداشتند با اینکه بسیار متواضع بودند و واقعاً بنده در طول این سالها که ایشان ادای تواضع را در نمی آوردند. تواضع به معنای واقعی کلمه را داشتند. گاهی من برخوردهایی از ایشان نسبت به مردم عوام می دیدم که به قدری نسبت به اینها با احترام صحبت می کردند که تا کنون من در مورد کسی این حالت را ندیده بودم که یک شخصیتی این چنینی با عوام و به این نحوه صحبت بکند.

ایشان معمولاً عادتشان این بود که در راه چشمانشان پایین بود یا تقریباً بسته بود. گاهی نگاه می کردند باز هم چشمانشان را پایین می انداختند وقتی کسی از افرادی که حالا مخالف فلسفه هم بودند را می دیدند از همان دور بلند سلام می کردند. من خودم شاهد بودم به یکی از همین ها سلام کردند آن آقا جواب هم نداد با اینکه جواب سلام شرعاً واجب است.

از دیگر خصوصیتشان عظوفت و مهربانی خاصی که به افراد داشتند بود. یکی از طلبه هایی که در همان مدرسه ای که مرحوم آشتیانی تدریس داشتند یک بیماری ای داشت که اصلاً درس ایشان نمی رفت ولی به محض اینکه آقا فهمیدند که این همچنین مشکلی دارد به خادم مسجد گفتند این طلبه را پیش فلان دکتر ببرید و ایشان در روند بهبودی این طلبه قرار داشتند تا کاملاً معالجه شد.

